گپ روز

نبی‌ا... عشقی ثانی از رنج «زنان خودسرپرست» سرطانی می‌گوید:

سرطان؛ مشکلات اقتصادی و رسیدن به فقر مطلق

طرح نو| سرطان از جمله بیماری‌هایی است که به‌محض بروز یا اطلاع از ابتلا به آن، نوعی وحشت در خانواده، اطرافیان و شخص بیمار، ایجاد می‌کند. بخشی از این وحشت به‌دلیل این است که بیشتر افراد جامعه، سرطان را پایان کار می‌دانند زیرا براساس آمار، نه تنها در کشور ما بلکه در اکثر کشورهای جهان، عامل ۳۰ درصد مرگ‌ومیرهای انواع سرطان است. از همه مهم‌تر ابتلا به سرطان، هزینه‌هایی را ایجاد می‌کند که حتی درصورت بهبود نسبی، خانواده دچار پیچیدگی‌های خاص اقتصادی می‌شود. طوری که حتی خانواده‌هایی با وضع اقتصادی مناسب بوده‌اند که پس از ابتلای یک عضو از خانواده به سرطان، به فقر مطلق رسیده‌اند. این وضع را درباره فردی تصور کنید که جزو زنان سرپرست خانواده است، زنانی که به زنان خودسرپرست هم مشهور شده‌اند. به‌طور قطع هرچه مشکلات درباره افراد دیگر سطح خاص خود را داشته باشد، مشکلات مربوط به این زنان دو یا سه چندان است. درباره این موضوع، بانبی‌ا... عشقی، کارشناس بهزیستی و مدرس دانشگاه به گفت‌وگو نشسته‌ایم که مشروح آن در ادامه می‌آید.

سرطان از جمله بیماری‌هایی است که هرچند جنسیت نمی‌شناسد اما بخشی از زنان به انواع رایج آن که اختصاص به جنسیت‌شان دارد، مبتلا می‌شوند. درباره این نوع بیماری صحبت کنید؛ به‌ویژه موضوعاتی که می‌تواند زنان خودسرپرست را دردآور ابتلا، گرفتار کند.

بیشتر زنان به سرطان سینه و رحم دچار می‌شوند و این دو سرطان، جامعه‌هدف وسیع‌تری را شامل می‌شوند. زنان خودسرپرستی که به سرطان مبتلا می‌شوند چون نان‌آور خانواده هستند و این بیماری با این ویژگی آنها در تضاد است، کارکردهای عادی آنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ این‌بانوان بعد از ابتلا به سرطان نمی‌توانند فعالیت‌های خود را باکیفیت قبلی ادامه دهند. برخی از این بانوان حتی برای شستن لباس با مشکل مواجه هستند که برای تهیه ماشین لباسشویی نیاز جدید این زنان است. البته آنها نیازمند تغذیه مناسب با بیماری‌شان نیز هستند و همچنین طی مسیر درمان که هزینه‌های آن، بسیار سرسام‌آور است و... هرکدام از این نیازهای جدید، برای این خانم‌ها مشکلاتی ایجاد می‌کند که اگر برای آن برنامه‌ای نداشته باشند (از آنجایی که بار اقتصادی خانوار هم به‌دوش آنهاست) برای تأمین نیازهای جدید به کمک‌های بسیار بیشتری نیاز خواهند داشت. برخی از این بانوان به‌دلیل بیماری، کار خود را از دست می‌دهند که خود این، وضع را سخت‌تر می‌کند. مستأجر بودن، داشتن فرزند دانشجو و... را نیز در کنار بقیه مسائل قرار دهید تا میزان گرفتاری‌های چنین زنانی را مشاهده کنید.

درباره بیماران سرطانی، هزینه‌بری بیماری، بسیار معروف است. قول معروف این است که دولت به این بیماران کمک می‌کند اما این کمک‌ها به اندازه کفایت وجود دارد؟

بیمارانی که به بیمارستان‌های دولتی مراجعه می‌کنند، قسمت اعظمی از هزینه‌هایشان از طریق تعرفه‌هایی که در این موارد درنظر گرفته شده، از طریق بیمه‌های مختلف تأمین می‌شود. خوشبختانه امروزه امکان بیمه‌شدن افراد مهیا شده و همه افراد می‌توانند از ایـن خدمات بهره کافی ببرند، این مسأله مزیتی است که بخشی از هزینه‌های درمان را پوشش می‌دهد، البته دولت این امکان را فراهم آورده بیمارانی که به بیمارستان‌های دولتی مراجعه می‌کنند، از خدمات دارویی و درمانی بهره‌مند شوند.

اما موضوع این است که بسیاری از بیماران سرطانی پس از اطلاع از نوع بیماری خود، تمایلی به ادامه درمان در مراکز دولتی ندارند. اگر خدمات بـه انـدازه کافی وجود دارد، این بحث چگونه قابل توجیه است؟ این درصورتی است که بسیاری از بیماران برای تأمین هزینه‌ها به خیریه‌ها مراجعه می‌کنند.

نکتـه قابل‌ذکر در پاسـخ بـه این سـوال، این اسـت که برخی از افراد به پزشـکانی که در بخش دولتی فعالیـت می‌کنند، اعتماد کمتـری دارند کـه این باور اشـتباهی اسـت. در کشـورمان دربـاره کودکان مبتـلا به سـرطان، موسسـات خیریه‌ای داریم که کاملا شناخته‌شـده اسـت و مردم به آن اطمینـان دارنـد و مدیریـت درسـت آن باعـث شـده مردم بـا اطمینان‌خاطر کمک‌هـای خـود را در اختیار این موسسـه قرار دهند و با این تفسیر این موسسـات، امکان ارایه خدمات مناسب و خوب را به کودکان سـرطانی دارد. بیـش از ۲ تا ۵میلیون نفر از افراد جامعه به‌نوعی تحت‌پوشـش خدمات حمایتی هستند؛ اعم از کسـانی که تحت‌پوشش کمیته‌امداد، بهزیستی، موسسات خیریه و درمانی قرار دارند. این افراد که برای تأمین زندگی معمولی خود نیازمند حمایت بخش‌های خدمات‌اجتماعی هسـتند، با مواجهه با هزینه‌های میلیاردی درمان با این مشـکل روبه‌رو می‌شـوند که این موسسات نمی‌توانند هزینه‌های مـازاد او را تأمین کنند، در نتیجه مجبور هسـتند به سـازمان‌ها و موسسات مختلف مراجعه کنند تا بتوانند هزینه درمان خود را پوشش دهند.

برای حل این معضل پیشنهاداتی هم وجود دارد؟

بله! پیشـنهاد ما به نظـام خدمـات اجتماعی کشور این اسـت که بتوانیم موسسات مختلفی را شناسایی، طبقه‌بندی و سهمیه‌بندی کنیم تا فرد بیمار بتواند خدمات موردنیاز خود را از کانال‌های مختلف تأمین کند و در سلامت به جامعه برگردد. درحقیقت یکی از چالش‌هایی که مـا داریم، این اسـت که با داشـتن موسسـات متعدد و مختلف به‌دلیل نبود برنامه‌ریزی مناسب، نمی‌توانند تمام نیازهای فرد متقاضی را پوشش دهند.

معمول این اسـت که برای کمک به اقشار آسـیب‌پذیر، موسسـاتی خارج از دولت هم فعالند. نوع اقدامات آنها در زمینه رسیدگی به بیماران خاص چگونه است یا باید باشد؟

طی یکی، دوسـال اخیر دولـت در زمینه ارایه بیمـاران سـرطانی و تأمیـن نیاز اقشـار نیازمند کارهای مثبت زیادی انجام داده است. درحقیقت بخش زیادی از هزینه‌های درمان را متقبل شـده اسـت، البته باید گفت نه‌تنها در کشور ما بلکه در تمام جوامع افرادی وجـود دارند که قادر به تأمین همه هزینه‌هـای درمانـی خود نیسـتند لاجرم باید موسسـات خدمات اجتماعی بخشـی از این هزینه‌ها را تأمین کنند. البته باید این موسسـات با هم هماهنگی لازم را داشـته باشند. درحقیقت این موسسـات باید یک چتـر حمایتی هماهنگ تشـکیل بدهند که با اسـتراتژی‌های مناسـب و سیاسـت‌گذاری‌های درسـت بتواننـد بهتریـن خدمات را به اقشـار نیازمند ارایه دهند. درواقع با تقسـیم‌کار درسـت تمام نیازها را پوشش دهند. حقیقـت این اسـت که ما با توسـعه موسسـات، بیماران و نیازها روبه‌رو هسـتیم که تنها در سایه برنامه درسـت و هدفمند می‌توان از منابع موسسات بهـره لازم را برد. مـا معتقدیـم، نهادهای بخش سـلامت ذیل وزارت بهداشـت و وزارت رفاه باید به‌نحوی مدیریت شوند که ما با تمام پتانسیل‌ها و داشته‌ها آشنا شویم و از همه توان موجود برای رفع مشکلات استفاده کنیم.

یکی از این موسسـات «موسسـه فرهاد» است که به‌طور ویژه در زمینه ارایه خدمات به زنان خودسرپرست سرطانی فعالیت می‌کند، درباره اقدامات این موسسـه توضیح دهید: این‌که چه می‌کنند و چگونه اقدامات حمایتی خود را انجام می‌دهند؟

موسسـه خیریـه فرهـاد در زمینـه زنـان خودسرپرسـت سـرطانی فعالیت می‌کند که در عمـر کوتاه خـود، ۲۵۰ خانوار را تحت‌پوشـش خود قرار داده اسـت. این موسسـه بـرای ارایه خدماتـش به‌عنـوان مثال بـا بیمارسـتان امام خمینـی(ره) همـکاری دارد و درصـدی از هزینه‌هـای این زنـان را تقبل می‌کنـد یا برای کمک به این زنان با داروخانـه ۱۳آبان همکاری دارد و از این طریق مبلغـی از هزینه‌های دارویی آنها را تأمیـن می‌کند، البته در زمینه بهداشـت روانی نیـز خدماتی ارایه می‌شـود به‌این صورت کـه مـددکاران به بیمـاران مشـاوره‌های لازم را در زمینه مشکلاتشان و سـازوکارهای زندگی و روش‌های تغییر شـیوه زندگی ارایـه می‌کنند. بیشـتر موسسـات موجود که خدمات اجتماعی ارایـه می‌کنند بـا هـم همکاری‌هـای تنگاتنگی دارنـد و برای پوشـش مددجویـان از امکانات و خدمـات یکدیگر بهره می‌برنـد، البته باید گفت این همکاری‌هـا توصیه‌ای هسـتند و با معرفی شـخص نیازمند موسسـه با توجه بـه ضوابط و منابع خود خدماتـی را ارایه می‌کنـد. به‌عنوان مثال، به‌دلیل این‌که بیماران سـرطانی با مشکل تغذیه روبه‌رو هسـتند، طی سال چند نوبت سبد غذایی برای آنها تهیه می‌شود. در ارایه خدمات ما باید یک شـبکه اجتماعی را تشکیل بدهیم که از خدمات پراکنده جلوگیری کنیم تا از این طریق بتوانیم خدمات مناسب را به فردی که نیاز به آن خدمت دارد، ارایه کنیم.

زنان خودسرپرستی که به سرطان مبتلا می‌شوند چون نان‌آور خانواده هستند و این بیماری با این ویژگـی آنها در تضاد است، کارکردهای عادی آنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ این بانوان بعد از ابتلا به سـرطان نمی‌توانند فعالیت‌های خود را باکیفیت قبلی ادامه دهند. برخی از این بانوان حتی برای شستن لباس با مشـکل مواجه هستند که برای تهیه ماشین لباسشـویی به ما مراجعه می‌کنند. درواقع ماشین لباسشـویی نیاز جدید این زنان است.

برخی از افراد به پزشـکانی که در بخـش دولتی فعالیت می‌کنند، اعتمـاد کمتری دارند که این باور اشـتباهی اسـت. در کشـورمان درباره کـودکان مبتـلا به سـرطان، موسسـات خیریـه‌ای داریم که کامـلا شناخته‌شـده اسـت و مـردم بـه آن اطمینـان دارنـد و مدیریـت درسـت آن باعـث شـده مردم بـا اطمینان‌خاطر کمک‌هـای خود را در اختیار این موسسـه قرار دهند و با این تفسـیر این موسسات، امکان ارایه خدمات مناسب و خوب را به کودکان سرطانی دارد

صلح نوشت

رسیدن به صلح، در جهانی پر از کینه و دشمنی

یدالله آقاعباسی
مترجم

صلح و جنگ دو روی یک سـکه اسـت اما گاهی جوامع بشـری ناگزیر از جنگ بوده‌اند. آرمان نهایی همه جوامع بشـری رسیدن به صلح است. با این حـال جنگ‌طلبی خوی حیوانی اسـت که برخی از جوامع را تسخیر کرده، زیـرا درحقیقـت طبـع و ذات آدمی متمایل به صلح اسـت نه جنـگ. اگر آدمی بـه ذات و فطرت خـود وفادار باشـد با صلح همساز خواهد شد، البته رسیدن به صلح هم شرایطی دارد و پذیرفتن هرگونه ذلتی صلح محسوب نمی‌شود. همان‌طورکه آرمان همه ما، ساختن جهانی عاری از ظلم، خودخواهی و تبعیـض اسـت، جهانـی کـه در آن، همه حقوق هـم را رعایت کنند و بـه آزادی‌های هـم احترام قایل شـوند. این جهـان آرمانی اسـت که هنر هم در پی آن اسـت چون هنر برای چیـزی تلاش می‌کند کـه وجود ندارد ولی جزو آرزوها و آرمان‌های انسـان اسـت؛ البته شـاید محقق نشـود اما ما تمام تلاش خود را می‌کنیم. پس دوبـاره روی کلام اولم تأکید می‌کنم که سرشـت آدمی در پی صلح و آرامش اسـت و این آرامـش زمانی تحقق می‌یابد که آدم‌هـا حقوق هم را رعایت کنند، بنابراین باید این بایدها و نبایدها را در تربیت فرزندانمان بگنجانیم. مـا باید یاد بگیریم هر چه را برای خود می‌پسندیدیم برای دیگران هم بخواهیم و اگر چیزی بـرای ما نکوهیده است برای دیگران هم به همان شکل باشد. ما آموزه‌های زیادی در ادبیات ایرانی- اسلامی خود داریم که در کلام فلاسفه، عرفا، شاعران و نویسندگانمان به آنها برمی‌خوریم که تمام این نکات را به ما گوشزد می‌کنند و متاسفانه گاهی ایـن موارد را فرامـوش می‌کنیم و چه خوب اسـت که بتوانیم دوباره این آموزه‌ها را به یاد آوریم تا بتوانیم در سـایه آن به دنیای پر از صلح برسـیم. شاید در جهانی پر از کینه و دشـمنی رسـیدن به صلح سـخت باشـد اما همیشـه این امید وجـود دارد که آدمی جهانی مملو از صلح را به نظاره بنشـیند. در جوامعی که تربیت، نادیده گرفته می‌شـود یا نقش کمرنگ‌تری دارد، انسان‌ها خودخواه و زیاده‌خواه می‌شوند و نتیجه این خودخواهی و زیاده‌خواهـی جنگ‌هـا و اعمـال زشـتی می‌شود که انسان‌ها در حق هم روا می‌دارند. گاهی الگوهای مناسـبی برای پیروی وجود ندارند و کسـانی که به‌عنوان سرمشق به آنها نگریسته می‌شود از اعتمادی که به آنها شده سوءاسـتفاده می‌کننـد و این مسـأله باعث گسترش فقدان اطمینان شده است؛ جهانی پر از آدم‌هایـی که در بی‌اعتمادی و شـک و تردید نسـبت به هم زندگی می‌کنند. امروزه ما در جهانـی زندگی می‌کنیم که پر اسـت از مسـابقات جهنمـی؛ مسـابقاتی کـه باید، تنها اول شـدن توست و اول شـدن تو یعنی این‌که دیگران باید بازنده باشـند. درحقیقت ما با این روش خودخواهی را رواج می‌دهیم؛ رقابتی ناسالم. درواقع ما پایه‌گذاری مناسبی در این مورد نداشـته‌ایم، ما یاد نداده‌ایم و یاد نگرفته‌ایم که اول شدن ما مغایر با اول شدن دیگری نیسـت و الزاما نباید دیگری شکست بخورد تـا ما به پیـروزی برسـیم. درواقع ما نه الگوی قابـل اعتماد و نه تربیت درسـتی داشـته‌ایم و نتیجه این راه اشـتباه رفته بشر این شده اسـت که هر روز از گوشه‌ای اخباری از جنـگ و کشـت و کشـتار بشـنویم و در رسـانه‌ها صحنه‌های خونین و وحشـیگری انسـان را به تماشا بنشـینیم! شـوربختانه حافظه بشر ضعیف شده و احترام و اخلاقیاتی که در گذشته جهان را جایی پر از صلح کرده بود را به باد فراموشی سپرده است، گذشته‌ای که آدم‌ها برای گرفتن حق‌شان با هم تعامل داشـتند، آدم‌ها برای شنیدن حرف هم وقت داشتند و به حقوق و آزادی‌های شخصی هم احترام قایل بودند. بشـر احتـرام را فراموش کرده و برای رسیدن به خواسته‌های شخصی خود، گاهـی به افـراد دیگر به چشـم طمع می‌نگرد. احترام یک سرمایه‌اجتماعی است، سـرمایه‌ای که متاسـفانه برایش حسابی باز نکرده‌ایم، سـرمایه‌ای کـه باید احیا شـود، البتـه این‌که بـرای احیای آن چـه باید کرد و چـه راهـی را باید پیمود شـاید بـه عهده جامعه‌شناسـان باشـد که با مطالعات دقیق راهکارهای مناسـب را به جامعه بشری ارایه کنند.

ترِیبون استانی (مشکلات شهرهای ایران از زبان نمایندگان مجلس)

مشهد از زیرساخت‌های زیارت تا بحران حاشیه‌نشینی

نصرالله پژمان‌فر
نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی

مشکلات اجتماعی و اقتصادی مثل اشتغال و بیکاری تقریبا در همه شهرها و شهرستان‌های کشور دیده می‌شود که به‌واسطه ظرفیت‌های سـرمایه‌گذاری و کارآفرینی متفاوت اسـت. مشـهد هم از این قاعده مسـتثنی نیست. من ترجیح می‌دهم در این فرصت در مورد زیارت که ویژگی منحصربه‌فرد مشـهد مقدس است و مسـائل پیرامـون آن صحبت کنم. مسـائل مربـوط به زیـارت و بحث سـامانده‌ی زائران بسـیار زیاد اسـت. زیـارت بایـد در برخی از جنبه‌ها آسیب‌شناسی و بررسی شود. موقعیت زیارتی مشـهد نه‌تنها در کشور بلکه در جهان تشـیع و اسـلام منحصربه‌فرد اسـت. چراکه کانون مورد توجه مسـلمانان و شیعیان جهان قرار دارد و سـالانه پذیرای میلیون‌هـا زائر از سراسر منطقه اسـت. سال گذشته ۲۵میلیون زائـر ایرانـی و ۱/۵ میلیـون زائـر غیرایرانی بـرای زیارت حـرم امام هشـتم شـیعیان به مشـهد سـفر کرده‌اند. با این‌که در ۱۰ سـال اخیر اقامتگاه‌هـا اعم از هتل‌هـا، آپارتمان‌ها، مهمانسـراها و مسـافرخانه‌های متعددی در سطح شهر ساخته شده اما هنوز هم مشکلاتی در سـامانده‌ی زائران داریم کـه اگر این بحث مدیریت نشـود و نتوانیم زیرساخت‌های لازم برای ایـن موضوع را فراهم کنیـم، در آینده با چالش‌های جدی مواجه خواهیم شد. استدلال این حرف روند رو به افزایش تعداد زائران است که به زیرسـاخت مدیریت شده برای اسکان و برخورداری از امکانات رفاهی مناسب در سفر زیارتی نیـاز دارد. درحالی‌که موقعیت زیارتی مشـهد مقدس می‌تواند به عنوان یک فرصت بسیار مطلوب مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گیرد، بدون سامانده‌ی و مدیریت صحیح حتی این فرصت می‌تواند تهدید هم محسوب شود. توسـعه امکانات رفاهی و ظرفیت‌های اقامتی در کنار بهسازی معابر شهری و تکمیل ناوگان حمل‌ونقل عمومـی می‌تواند در سـامانده‌ی زیـارت و امکانات زیارتی مشـهد موثر باشـد تا زائران در مدت زمانی که در مشـهد سـاکن هسـتند، بدون دغدغه بتوانند بهترین استفاده معنوی را داشته باشـند. به نظر من مهم‌ترین مسأله شـهر مشـهد همین موضوع است که ارتباط مسـتقیم بـا زندگی مردم این شـهر هم دارد. هر اتفـاق مثبتی که در مشـهد رخ دهد، نتیجـه آن اول برای مشهدی‌هاسـت و بعد بـرای مهمانانی که برای زیـارت می‌آیند. زیارت موضوعی اسـت که اگر درسـت و دقیق سـامانده‌ی شود، همه اتفاق‌های شهر مدیریت می‌شود.

چالش جـدی دیگری که در مشـهد با آن روبه‌رو هسـتیم، آمار اعتیاد و معتادان شهر اسـت. مشـهد در حال حاضر بالاترین سرانه اعتیـاد و معتادان پرخطر را در کشـور دارد. ۵هزار معتـاد پرخطر با توجـه به جمعیت شهر مشهد، رقم بسـیار بالایی اسـت که باید به‌عنـوان تهدیـد جدی سـلامت اجتماعی جامعه شـهری مـورد توجه مسـئولان قرار گیرد. از لحـاظ قانونـی، وظیفـه و تکلیف سـامانده‌ی و جمـع‌آوری معتـادان و کنترل اعتیاد با وزارت کشـور اسـت و این وزارتخانـه بایـد موضوعـات پیرامـون این مشـکل را مدیریت کند. با این حال با توجه بـه نگرانی‌هـای ویـژه در موضـوع اعتیاد، شـورایعالی امنیـت ملی جلسـاتی بـا این موضوع داشـته که مصوبه‌ای هم داشتند که براساس آن سـازمان با مجموعه‌های متولی بررسی این مسـأله باید مشکلات را در شهرها و اسـتان‌های مختلف بررسـی و راهکار ارایه دهند که امیدوارم این مصوبه در آینده منجر به ایجاد و سامانده‌ی این نهاد ضروری شود.

مسـأله دیگـری کـه در این فرصـت لازم اسـت به آن اشـاره کنم معضل حاشیه‌نشینی و حضـور غیرایرانی‌ها در فضای اطراف شـهر مشهد و در کل اسـتان خراسان‌رضوی است. حاشیه‌نشـینی محصـول عـدم برنامه‌ریزی و نظـارت صحیح بر توزیع و اسـکان جمعیت شـهری اسـت، به‌طـوری کـه امـروز ۳۰ تا ۳۵درصـد جمعیـت مشـهد حاشیه‌نشـین هسـتند. رقمی بیش از یک‌میلیون و ۱۰۰هزار نفر حاشیه‌نشین درحالی‌که مدیریت امنیتی این مناطق اصلا درست نیسـت، تهدید بزرگی برای کلانشـهر مشـهد محسـوب می‌شود. همچنین حضور اتباع غیرایرانـی که اکثرا به صورت غیرقانونی وارد خاک ایران می‌شوند و از سـوءمدیریت و کنترل ناکافی سوءاسـتفاده می‌کنند، هم مشکلی بر همه معضلات مشهد و خراسان رضوی افزوده است. حاشیه‌نشینی و اسکان بی‌رویه اتباع کشورهای افغانستان و پاکستان در مشـهد تبعات اجتماعی، امنیتی و عمرانـی جبران‌ناپذیـری بـرای این شـهر خواهد داشـت که باید آسیب‌شناسی شده و سامانده‌ی شود.